

# داغ میناب

◀ برشی از لحظات نفس گیر جست و جوی جان‌های بی‌پناه زیر آوار مدرسه «شجره طیبه»

◀ گزارشی از اختلال در مسیرهای متعارف واردات کشور پس از جنگ اخیر

پروشی از لحظات نفس گیر جست و جوی جان های بی پناه زیر آوار مدرسه «شجره طیبه»

# داغ میناب

آنا رام



که سایه شوم چهارمین حمله، بر سر این فاجعه فرود آمد و درمانگاه آبسالان، پناهگاه دردمندان و مجاور مدرسه، هدف قرار گرفت. انبار دارو، که نماد حیات و امید بود، در این حمله ویرانگر، آماج قرار گرفت.

## آوار غم بر دو مدرسه

فاجعه میناب، با حمله دلخراش به دو مدرسه کنار هم، «شجره طیبه» (دخترانه) و «رهبویان شهدای خلیج فارس» (پسرانه)، اوج اندوه و ویرانی را به نمایش گذاشت. این دو ساختمان دوطبقه، که گرچه به هم چسبیده بودند اما ورودی و حیاط مجزا داشتند، قلب تپنده آموزش فرزندان این دیار بودند، ۳۵۰ دانش آموز از پیش دبستانی تا ششم دبستان، در این دو مدرسه گرد هم می آمدند. «اصابت موشک به مدرسه دخترانه، «شجره طیبه»، باعث شد تا سهمگین ترین ضربه بر پیکر دختران این سرزمین وارد آید و تعداد شهدا در این بخش، به شکل غم انگیزی زیاد باشد.»

## اینار در افطار، همدلی در بحران

در میان تلخی ویرانی و اندوه بی کران فاجعه میناب، صحنه هایی از ایثار و همدلی مردم، چون نگرینی درخشان در جنگ رمضان خودنمایی کرد. هنگامی که سفره افطار برای خانواده های داغدار و امدادگران خسته پهن می شد، دستان مهربان مردم، نذری ها و غذاهایشان را با عشق و ارادت تقدیم می کرد. این اقدام، نه تنها تسلی بخش جسم و جان آسیب دیدگان بود، بلکه نشان از همبستگی عمیق جامعه در سخت ترین لحظات داشت. «نیروهای مردمی، بسیج، بخش خصوصی و امدادگران فداکار جمعیت هلال احمر، در این روزهای سخت، سواد تمام گذاشتند. تلاش شبانه روزی و ازخودگذشتگی آنان، ستودنی است و جای تقدیر فراوان دارد.» اما در میان این مصیبت، شایعات نیز چون سیلی ویرانگر، در فضا پراکنده می شد. «در این میان، صبری مردم و پرهیز از دامن زدن به شایعات، نقشی حیاتی در مدیریت بحران ایفا می کند. به عنوان یک امدادگر توصیه می کنم همگان اخبار موثق و رسمی را تنها از رسانه های ملی و مراجع رسمی پیگیری نمایند تا از انتشار اطلاعات نادرست و تشدید نگرانی ها جلوگیری شود.» تجربیات تلخ این حادثه، لزوم آموزش همگانی در شرایط بحرانی و جنگی را بیش از پیش نمایان ساخت. «آموختن روش های نجات جان خود و اطرافیان، از اصول اولیه بقا در چنین شرایطی است که باید به خانواده ها و تمام مردم، به طور جدی آموزش داده شود.»

متأسفانه، تقدیر برای بسیاری از آن ها، پایان تلخی را رقم زد.»

## چشم انتظاری و در نهایت فراق

در میان ویرانه های حادثه میناب، صحنه های دردناک بی تابی خانواده ها، نقشی ماندگار از اندوه و فراق را بر جای گذاشته است. مادرانی با چشمانی اشک بار و صدایی لرزان، در میان آوار، دنبال نشانه ای از فرزندشان بودند و آن ها در پی یافتن کوچک ترین یادگاری بودند تا بتوانند با در آغوش کشیدن کیف یا کتاب درسی او، تسلیی بر دل داغدارشان بیابند... داستان خانواده سهیل، روایتی دیگر از این مصیبت است. «خواهر سهیل به نام مانیا، دانش آموز کلاس اول ابتدایی، صبح آن روز به دلیل ننوشتن مشق هایش گریه کرده و از رفتن به مدرسه خودداری کرده بود. تقدیر، جان او را نجات داد، اما برادرش، سهیل، در میان قربانیان بود.» مادر، درحالی که هنوز در شوک از دست دادن سهیل به سر می برد، با اندوهی وصف ناپذیر می گوید: «تنها چیزی که از او پیدا کردم، یکی از دستانش است...» این جمله کوتاه، کوهی از درد و ناباوری را در خود نهفته دارد، پایانی تلخ برای مادری که تنها نشانی از فرزندش، تکه ای از او بود.

## میناب، زخم ۱۷۰ پرواز

آمار نهایی، زخمی عمیق تر بر دل ها می نهد: حدود ۱۷۰ دانش آموز، معلم و اولیای حاضر در مدرسه، پر کشیدند، ۱۷۰ دنیا، ۱۷۰ آرزو، ۱۷۰ لبخند که برای همیشه خاموش شد. در میان این اندوه بی انتها، ۹۵ نفر نیز با جراحات های جسمی و زخم های التیام ناپذیر خاطرات تلخ، از این حادثه جان سالم به دربردند، هر یک داستانی از بقا در دل فاجعه. محسنی، با بغضی که راه گلویش را بسته، ادامه می دهد: «هرکدام از این آمار، یک دنیا بودند. یک خانواده، یک آرزو، یک لبخند. شاهد بودیم که چگونه پدری، دو فرزندش را هم زمان از دست داد، وی با دستان خالی، در میان آوار، به دنبال فرزندانش می گشت و ما فقط می توانستیم نظاره گر این مصیبت باشیم.» در آن ساعات نفس گیر، انتقال مجروحان و پیکر پاک شهدا به بیمارستان حضرت ابوالفضل (ع) آغاز شد، جایی که روند درمانی برای بازماندگان و سردخانه ای برای عزیزان از دست رفته، در سکوت و اندوهی سنگین، در جریان بود. صحنه هایی دل خراش از تلاش برای شناسایی و انتقال پیکرها... انبار داروی درمانگاه آبسالان در آماج حمله در ساعت ۱۵:۴۰ ساعتی از آغاز عملیات نفس گیر نجات و آواربرداری گذشته بود

## سه روز نفس گیر، حکایت امید، اندوه و اراده انسانی

عملیات جستجو و نجات در میناب، سه روز طول کشید، سه روزی که برای خانواده های چشم انتظار، به اندازه یک قرن گذشت. رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان میناب از خستگی جسمی و روحی تیم ها می گوید: «هر آجر را که برمی داشتیم، با صحنه ای دلخراش تر از قبل روبرو می شدیم، پیدا کردن تکه های لباس، دفتر نقاشی خونی، یا کفش های پاره از بیچه ها، همان و فروریختن چندباره ی دنیا بر سرمان همان. ما نه تنها دنبال زنده ها، بلکه دنبال هر نشانی از امید بودیم. بدن های کوچکشان زیر آوار، گواه مظلومیتشان بود.»

در میان این تلاش نفس گیر، چهره های مردمی و فداکاری های بی شماری دیده می شد. مرد جوانی به نام حیدری، یکی از داوطلبان پرشور هلال احمر، که خود حدود ۳۰ نفر از عزیزانش را در این حادثه از دست داده بود، با قلبی شکسته اما اراده ای استوار، اجساد را از زیر آوار بیرون می آورد. وی در سکوت، فاتحه ای می خواند، اشک می ریخت و سپس با عزمی راسخ، به کار خود بازمی گشت. «این عملیات، صحنه هایی از معجزه های کوچک امید را نیز به خود دید، در مواردی، از روزه های ایجاد شده در آوار، صدای ضعیف و دردآلود دانش آموزان شنیده می شد. نیروهای امدادی با تلاش فراوان در همان ساعات اولیه، موفق شدند دانش آموزی را زنده از زیر خاک بیرون بکشند، در ساعات اولیه و روز اول عملیات، مجموعاً ۹۵ نفر از زیر آوار نجات یافتند.»

## داغی ابدی بر دل پدر

در میان هرج و مرج پس از اعلام اولیه، عبدالله کربانی، یکی از پدران داغدار، به سرعت خود را به مدرسه رساند تا فرزندانش را به خانه ببرد. دو پسر او، کلاس دوم و سوم ابتدایی را می گذراندند. درحالی که عبدالله دست یکی از پسرانش را گرفته بود و در محوطه مدرسه به انتظار پسر دیگرش ایستاده بود، انفجار هولناک رخ داد. «موج انفجار، خودروی مرد جوان را به یک سمتی پرتاب کرد و او و فرزندش را به سمتی دیگر. پسر کوچکش زیر آوار مدفون شد، اما خود عبدالله، علی رغم جراحات، زنده ماند، هر دو پسرش، در این حادثه جان باختند. فاجعه اما به اینجا ختم نشد، بسیاری از دانش آموزان دیگر نیز در راهروی خروجی طبقه همکف، در تلاش برای فرار، جان باختند. از آنجایی که طبقه بالا کسی حضور نداشت، همه به سمت پایین، به سمت خروجی، هجوم آورده بودند، اما

حدود ۵۰۰ متر با ما فاصله داشت، اعزام شدیم. هنگامی که به نزدیکی محل رسیدیم، صحنه ی دل خراشی پیش روی ما بود که تا ابد از ذهنمان پاک نخواهد شد، مدرسه دخترانه «شجره طیبه» به شدت آسیب دیده بود.»

## نجات یافتگان در میان آوار خونین

با رسیدن نیروهای امدادی، تلاش برای نجات جان کودکان آغاز شد، اما آنچه در انتظارشان بود، صحنه هایی فراتر از تصور بود. پیش از آنکه نیروهای امدادی حضور یابند، مردمان منطقه، مادر و پدران چشم انتظار و نیروهای بسیج در صحنه حاضر بودند، ترکیبی از هیاهوی آواربرداری، صدای ناله ها و اشک های بی امان و چشم های مضطربی که در پی عزیزانشان می گشتند، دنبایی از درد توأمان با انسانیت به نمایش گذاشته شده بود. «تیم های امدادی و آتش نشانی بلافاصله کار تخلیه و آواربرداری را آغاز کردند و در میان انبوهی از بتن و آهن، به جستجوی بازماندگان پرداختند، در لحظاتی نفس گیر، پیکر نیمه جان یکی از دانش آموزان دختر که غرق در خون بود، از زیر آوار بیرون کشیده شد، دوان دوان جسم خونینش را به زیر درختی نزد همکاران بردم، عملیات احیا آغاز شد، اما متأسفانه تلاش های بی نتیجه ماند و او به شهادت رسیده بود.»

صحنه ها دل خراش بود، اعضای پیکر مطهر برخی دانش آموزان به علت شدت انفجار به نقاط مختلف مدرسه و یا در حیاط مدرسه پرتاب شده بود.

«یکی از دانش آموزان در اثر پرتاب با موج انفجار، ۱۰۰ متر دورتر به دیواری چسبیده بود و یا تکه های اعضای بدن انسان ها را بیرون از مدرسه لای درختان پیدا می کردیم، هر لحظه با دست ها و پاهای کوچک و خونین کودکان روبرو می شدیم، تلاشی دیوانه وار برای نجات هر نفسی که هنوز در سینه ها بود. برخی از کودکانی که امید به زنده بودنشان کم بود، زنده پیدا می شدند، در آغوش گرفتن دوباره این فرشتگان کوچک، تنها نقطه نور در آن تاریکی مطلق بود.»

هم زمان، نیروهای کمکی از بخش خصوصی با تجهیزات سنگین به یاری شتافتند و عملیات نجات و آواربرداری به صورت شبانه روزی و بی وقفه ادامه یافت. میان آواربرداری ها، صحنه ی دل خراش دیگری نمایان شد. معلمی که در آغوش خود سه دانش آموز را گرفته بود، اما هر چهار نفر (خود معلم و سه دانش آموز) به شهادت رسیده بودند، تصویری تکان دهنده از تلاش بی ثمر برای محافظت در آخرین لحظات.

حیاطی که باید با خنده کودکان پر می شد، اکنون تنها پژواک ضجه مادران و فریاد پدرانی است که در میان آوار، تنها «دفتر مشق خونین» یا «دستی کوچک» از معصومیت پرپر شده فرزندانشان یافتند. در یکی از تاریک ترین فصل های تاریخ آموزش، انفجار مدرسه دخترانه «شجره طیبه» و مدرسه پسرانه «رهبویان شهدای خلیج فارس» شهرستان میناب را به قتلگاهی بدل کرد که در آن، حدود ۱۷۰ دانش آموز، به همراه کادر مدرسه و اولیا، به درجه رفیع شهادت رسیدند. این فاجعه، مدرسه را به «گور جمعی فرشتگان» تبدیل ساخت و جهان را در برابر «بزرگ ترین کشتار دانش آموزان در تاریخ» مهیوت گذاشت. این شهرستان تا امروز، هنوز در صدای گریه پدران و مادرانی می لرزد که نام فرزندانشان را از میان خاک صدا می زنند. احسان محسنی، رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان میناب، از روزهای طاقت فرسای عملیات امداد و نجات در این شهرستان حکایت می کند. شهری که امروز، زخمی است عمیق بر تن زمین، زخمی که تا ابد درد آن التیام نخواهد یافت. این گفت و گو حاوی اطلاعاتی درداور و آزاردهنده است که ممکن است برای برخی مناسب نباشد. به گفته محسنی، آمار صدور جواز دفن از پزشک قانونی شهرستان میناب تاکنون ۱۵۴ مورد بوده است.

## لحظه ای که آسمان بر سر دانش آموزان فروریخت

صدای مهیب انفجارهای ناشی از حمله موشکی ددمنخانه آمریکا و اسرائیل در ساعت ۰۷:۴۷ دقیقه صبح نهم اسفندماه، مدارس میناب را در هم شکست. محسنی، رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان میناب شرح این لحظات را این گونه آغاز می کند: «پس از حادثه انفجار در تهران، دو تیم هلال احمر میناب مانند اکثر تیم های دیگر حالت آماده باش شدند، حدود ساعت ۱۰:۴۷ صبح بود که صدای انفجار اول در میناب را شنیدیم، آن قدر مهیب بود که ابتدا تصور کردیم ساختمان هلال احمر مورد هدف قرار گرفت، به سرعت از طبقه بالا به پایین دویدیم و ناگهان شاهد انفجار دوم بودیم. بلافاصله پس از آن، انفجار سوم رخ داد، خیابان ها غرق در دود غلیظی شده بود و مسیرها از شدت آوار مسدود شد. فوراً به همراه سایر تیم های امدادی، با آمبولانس ها و خودروهای امدادی به سمت محل حادثه، که تنها



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان هرمزگان

## آگهی تحدید حدود عمومی سه ماهه سوم (مهر، آبان و آذر) سال ۱۴۰۴ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بستک



سازمان ثبت اسناد و املاک کشور  
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان هرمزگان

پیرو آگهی نوبتی سه ماهه سوم (مهر، آبان و آذر) سال ۱۴۰۴ در اجرای ماده ۱۴ قانون ثبت، تحدید حدود املاک مشروحه ذیل واقع در بخش ۱۹ بستک در تاریخ-های معین شده انجام خواهد آمد.

املاک واقع در قطعه یک بخش ۱۹ بستک

۱- پلاک ۸۲۴/۲۱- اصلی نادر حاجی نیا فرزند محمد ششداغ یک قطعه زمین به مساحت ۴۵۰ مترمربع واقع در بستک کوی شرقی بلوار معلم

۲- پلاک ۸۲۴/۱۸۲- اصلی نادر حاجی نیا فرزند محمد ششداغ یک قطعه زمین به مساحت ۴۵۰ مترمربع واقع در بستک کوی شرقی بلوار معلم

۳- پلاک ۸۲۴/۱۸۳- اصلی نادر حاجی نیا فرزند محمد ششداغ یک قطعه زمین به مساحت ۴۵۰ مترمربع واقع در بستک کوی شرقی بلوار معلم

۴- پلاک ۱۰۶۶/۵۰- اصلی محمد مندلی فرزند محمد شریف ششداغ یک باب خانه به مساحت ۳۰۰ مترمربع واقع در بستک کوی ۲۲ بهمن

۵- پلاک ۱۰۹۵/۹- اصلی مهران صالحی فرزند محمد صالح ششداغ یک باب چهار دیواری به مساحت ۲۴۰/۴۰ مترمربع واقع در بستک - کوی غربی بلوار عدالت و مسجد جامع

۶- پلاک ۱۱۰۲/۷- اصلی محمد نور بادروح فرزند عبدالرحمن ششداغ یک قطعه زمین به مساحت ۲۱۰ مترمربع واقع در بستک - بلوار دکتر سعیدی

۷- پلاک ۲۴۹۵- اصلی اسد حاجی نیا فرزند یوسف ششداغ یک قطعه زمین بایر به مساحت ۲۳۴ مترمربع واقع در بستک - کوی شرقی بلوار معلم

۸- پلاک ۲۸۷۴- اصلی آمنه ترت زاد فرزند عبدالله ششداغ یک باب خانه به مساحت ۳۱۲/۱۸ مترمربع واقع در بستک - کوی میرزاآباد

۹- پلاک ۳۰۱۳- اصلی رضا آذرسا فرزند مصطفی ششداغ یک باب خانه به مساحت ۵۴۲/۲۳ مترمربع واقع در بستک - محله میری

۱۰- پلاک ۳۸۵۹- اصلی فریدون افتخار فرزند احمد ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۵۲۵/۴۴ مترمربع واقع در بستک مغان محمد خانی

۱۱- پلاک ۳۸۶۴- اصلی محمد نصیری فرزند علی اکبر ششداغ یک باب چهار دیواری به مساحت ۴۳۵ متر مربع واقع در بستک خیابان امام خمینی کوچه جهانگیریه

۱۲- پلاک ۳۸۶۸- اصلی جمال الدین صادق فرزند کرامت اله ششداغ یک قطعه زمین به مساحت ۱۱۲ مترمربع واقع در بستک - کوی جنوبی بلوار پاسداران خیابان پرفسور عبدالمجید ارفعی - کوچه سوم

۱۳- پلاک ۳۸۶۹- اصلی کامیل محمدی فرزند محمد ششداغ یک باب مغازه و زمین متصل به آن به مساحت ۵۶ مترمربع واقع در بستک - کوی جنوبی بلوار پاسداران خیابان پرفسور عبدالمجید ارفعی - کوچه سوم

۱۴- پلاک ۳۸۷۲- اصلی مسعود هوشمند فرزند محمد طیب ششداغ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۶۱۸۸ مترمربع واقع در بستک - مغان باوردان

در روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۱/۱۶

املاک واقع در قطعه دو بخش ۱۹ بستک

۱۵- پلاک ۲۱۶۶/۱۰۰۱- اصلی طیبه کمالی فرزند عبدالله ششداغ

یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۶۷۵۳/۰۹ مترمربع واقع در روستای زنگارد

۱۶- پلاک ۸۰۳۰- اصلی محمد اژدری فرزند ابراهیم ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به سقاوه به مساحت ۲۷۳۸/۶۳ مترمربع واقع در دشت فتویه

۱۷- پلاک ۸۱۵۷- اصلی فرخنده بهزادی فرزند عباس ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۲۲۳ مترمربع واقع در روستای چاه بنارد- ایلود شمال جاده آسفالت

۱۸- پلاک ۸۲۳۱- اصلی امید افراز فرزند محمد صالح ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۴۷۴۷/۸۸ مترمربع واقع در حد فاصل روستای چاه بنارد- ایلود شمال جاده آسفالت

۱۹- پلاک ۸۶۶۶- اصلی محمد نور افراز فرزند محمد امین ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۹۴۶۴/۲۹ مترمربع واقع در حد فاصل روستای چاه بنارد- ایلود شمال جاده آسفالت

۲۰- پلاک ۸۶۶۸- اصلی ناصر محمد پور فرزند احمد ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۸۹۶۳/۵۰ مترمربع واقع در حد فاصل روستای چاه بنارد- ایلود شمال جاده آسفالت

بنارد- ایلود  
در روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۱/۱۷

۲۱- پلاک ۸۶۷۶- اصلی سید عبدالحسین برفره فرزند سید علی ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۵۶۱۱ مترمربع واقع در شرق روستای تدرویه

۲۲- پلاک ۸۶۷۷- اصلی سید عبدالحسین برفره فرزند سید علی ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۳۶۴ مترمربع واقع در شرق روستای تدرویه

۲۳- پلاک ۸۶۷۹- اصلی جاسم بیابان گرد فرزند حسن ششداغ یک باب چهار دیواری به مساحت ۱۹۴ مترمربع واقع در روستای عالی قندی

۲۴- پلاک ۸۶۸۰- اصلی سید عبدالحسین هاشمی فرزند سید محمد ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی و نخلستان به مساحت ۵۷۹۲ مترمربع واقع در روستای تدرویه محله پایین

در روز سه شنبه ۱۴۰۵/۰۱/۱۸

۲۵- پلاک ۸۶۸۱- اصلی محمد صالح پور واحدی فرزند محمد یوسف ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۴۷۹۵/۴۱ مترمربع واقع در روستای برکه لاری

۲۶- پلاک ۸۶۸۳- اصلی محمد حسین عبدی فرزند عبد الرحمن ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۹۰۹۱/۵۸ مترمربع واقع در روستای گودگز- شرق جاده بستک - لار

۲۷- پلاک ۸۶۸۴- اصلی محمد حسین عبدی فرزند عبد الرحمن ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۹۱۶۲/۹۰ مترمربع واقع در روستای گودگز- شرق جاده بستک - لار

در روز چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۱/۱۹

املاک واقع در قطعه سه بخش ۱۹ بستک

۲۸- پلاک ۴۶۷۷/۲- اصلی محمد داغ بلند فرزند ابراهیم ششداغ قسمتی از یک باب ساختمان تجاری به مساحت ۳۹ مترمربع واقع در جناح خیابان آیت الله خامنه ای

۲۹- پلاک ۱۲۵۰۹- اصلی ابراهیم عالی رئیسی فرزند غلامعلی

ششداغ یک قطعه زمین بایر به مساحت ۱۴۳/۳۲ مترمربع واقع در جناح- خیابان رازی

۳۰- پلاک ۱۲۸۸۰- اصلی عبدالرزاق اسماعیلی فرزند ابراهیم ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۰۰۴۴ متر مربع واقع در غرب هرنگ- شمال جاده آسفالت بستک- بندرلنگه

در روز شنبه ۱۴۰۵/۰۱/۲۲

۳۱- پلاک ۱۳۰۵۷- اصلی غلام عیاری جناحی فرزند احمد ششداغ یک باب خانه به مساحت ۵۹۲/۱۲ مترمربع واقع در جناح- خیابان خلیج فارس - کوچه نماز

۳۲- پلاک ۱۳۰۷۶- اصلی فاطمه جادر کافوری فرزند علی ششداغ یک قطعه زمین بایر به مساحت ۳۱۵/۵۳ مترمربع واقع در صحرای جناح- خیابان رازی

۳۳- پلاک ۱۳۰۹۹- اصلی غلام عیاری جناحی فرزند احمد ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۳۴۴/۳۷ مترمربع واقع در صحرای جناح-

۳۴- پلاک ۱۳۱۰۲- اصلی عارف مهرورزان عبدالله ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۶۱۰۴/۴۲ مترمربع واقع در روستای فاریاب

۳۵- پلاک ۱۳۱۱۰- اصلی امین قاسمی عبدالله ششداغ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۹۴۱۸/۳۲ متر مربع واقع در کوهج

۳۶- پلاک ۱۳۱۱۴- اصلی مژگان داغ بلند فرزند ابراهیم ششداغ یک باب خانه به مساحت ۹۱۱/۵۰ مترمربع واقع در جناح- کوی چرخ

در روز یکشنبه ۱۴۰۵/۰۱/۲۳

۳۷- پلاک ۱۳۱۲۰- اصلی دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان ششداغ یک باب دبیرستان شبانه روزی حافظ جناح به مساحت ۴۲۴۰/۵۹ مترمربع واقع در جناح بلوار فاروق عباسی

۳۸- پلاک ۱۳۱۲۱- اصلی معصومه راشدی فرزند محمد ششداغ سه باب مغازه و زمین متصل به آن به مساحت ۱۱۲/۳۴ مترمربع واقع در جناح- خیابان بانک ملی - کوچه داوات

۳۹- پلاک ۱۳۱۲۲- اصلی احمد خشنود فرزند محمد ششداغ یک قطعه زمین بایر به مساحت ۴۰۷/۵۳ مترمربع واقع در جناح- خیابان رازی

در روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۱/۲۴

لذا به استناد ماده ۲۰ قانون ثبت چنانچه مجاورین و مالک یا مالکین پلاک مورد تحدید، نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی برای خود حقی قائلند، می توانند از تاریخ تنظیم صورت- جلسه تحدید حدود ظرف مدت سی روز به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بستک اعلام و به استناد تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده- های معترض ثبتی که فاقد سابقه بوده و یا اعتراض آن- ها در مراجع قضایی از بین رفته مصوب ۷۳/۲/۲۵ اعتراض به تقاضای ثبت و تحدید حدود موضوع ماده ۱۶ و ۲۰ قانون ثبت بایستی معترض ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مراجع ثبتی به تقدیم دادخواست به مراجع ذیصلاح قضایی صورت پذیرد.

تاریخ انتشار روز شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۲۳

حسام حبیبی

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بستک

شناسه آگهی: ۲۱۴۴۰۸۱

## دومین جلسه بررسی طرح مطالعاتی منطقه بندی شهر در شهرداری بندرعباس



دومین جلسه بررسی طرح مطالعاتی منطقه بندی شهر بندرعباس و گزارش مشاور از روند انجام کار بر اساس جدول زمانبندی تنظیم شده در قرارداد، که با حضور عضو محترم شورای اسلامی شهر، نمایندگان معاونت برنامه ریزی و توسعه سرمایه انسانی، نمایندگان معاونت شهرسازی و معماری و نمایندگان دستگاه نظارت بر قرارداد پروژه برگزار شد.

مختلف برای دستیابی به ساختار بهینه مدیریت و توسعه شهری بوده است. در همین راستا سه سناریوی متفاوت برای منطقه بندی شهر ارائه شد که هر یک با رویکردی مجزا، در نحوه توزیع کارکردهای شهری، میزان تمرکز فعالیت های ساحلی و ساختار مدیریتی مناطق تدوین شده اند. در جریان این جلسه، ضمن بررسی ابعاد کالبدی، جمعیتی و مدیریتی هر سناریو، نقاط قوت و محدودیت ها هر یک مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. همچنین بر ضرورت انطباق تقسیمات پیشنهادی با ویژگی های جغرافیایی و ظرفیت های توسعه ساحلی بندرعباس تاکید شد. در پایان مقرر شد تحلیل های تکمیلی شامل ارزیابی شاخص های جمعیتی، سطح دسترسی ها، زیر ساخت های موجود و ظرفیت های توسعه در پهنه های ساحلی انجام پذیرد تا پس از جمع بندی نهایی، سناریوی منتخب در جلسات آتی به تصویب برسد.

به گزارش امید ساحل، در این جلسه روند مطالعات انجام شده پیرامون تقسیم شهر به ۶ منطقه شهری تشریح شد. این تقسیم بندی با هدف ارتقای کارآمدی ساختار مدیریتی، توزیع متوازن خدمات و بهره گیری هدفمند از ظرفیت های ساحلی شهر طراحی شده است. براساس گزارش ارائه شده، هدف اصلی این نشست، تبیین چارچوب پیشنهادی تقسیمات شهری و بررسی سناریوهای

اختلال در مسیرهای متعارف واردات پس از جنگ اخیر

## صادرات غلات روسیه به ایران تسهیل می شود؟



مهدی فامیل محمدی

و صرفه اقتصادی با محدودیت جدی روبه رو خواهد شد.

### جزئیات نظام سهمیه بندی روسیه برای صادرات غلات

اهمیت این سازوکار برای ایران در آن است که در شرایط نیاز فوری به واردات بیشتر از روسیه، علاوه بر اصل دسترسی به کالا، قیمت تمام شده نیز تعیین کننده است. طبق اعلام دولت روسیه در این بازه زمانی، صادرات خارج از سهمیه با عوارضی معادل ۵۰ درصد ارزش گمرکی و حداقل ۱۰۰ یورو به ازای هر تن روبه رو می شود. روشن است که چنین هزینه ای می تواند مزیت واردات از روسیه را برای ایران به شدت تضعیف کند.

بنابراین، اگر ایران بخواهد پس از اختلال در مسیرهای جنوبی، سهم واردات خود از روسیه را افزایش دهد، صرف وجود فروشنده روس یا آمادگی برای خرید کافی نیست بلکه باید این اطمینان نیز وجود داشته باشد که صادرات به مقصد ایران یا از شمول این محدودیت ها خارج است، یا دست کم در قالب سهمیه ای ترجیحی انجام می شود. در غیر این صورت، واردات یا از نظر حجم محدود خواهد شد یا از نظر قیمت، صرفه خود را از دست می دهد.

و کانال های مالی واسط با اختلال مواجه می شوند، کشور ناگزیر است به مسیرهای جایگزین، به ویژه در شمال، توجه بیشتری داشته باشد. روسیه یکی از مهم ترین گزینه های تأمین غلات و نهاده های اساسی برای ایران است؛ اما افزایش واردات از این کشور به سیاست صادراتی خود روسیه نیز وابسته است.

### روسیه صادرات غلات را در بخشی از سال سهمیه بندی می کند

دولت روسیه برای تنظیم بازار داخلی، صادرات گندم، جو و ذرت به خارج از اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در بازه ۱۵ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۶ در قالب یک سهمیه ۲۰ میلیون تنی قرار داده است.

این سهمیه به این معناست که اگر صادرات روسیه در این بازه از سقف ۲۰ میلیون تن غله عبور کند، صادرات از صرفه اقتصادی می افتد تا بازار داخلی این کشور دچار تلاطم نشود. به بیان دیگر، روسیه ظرفیت صادراتی این دوره را از قبل محدود می کند و صادرکنندگان روسی نیز فقط در همین محدوده می توانند صادرات اقتصادی و روان داشته باشند. اگر این سقف پر شود صادرات متوقف نمی شود، اما از نظر هزینه

جنگ اخیر میان ایران با آمریکا و اسرائیل، علاوه بر تبعات امنیتی، مسیرهای متعارف واردات کالای اساسی کشور را نیز با اختلال مواجه کرده است. محدود شدن کارکرد بنادر جنوبی و دشوار شدن تسویه از مسیرهای متعارف قبلی، ضرورت افزایش اتکا به مسیرهای شمالی و واردات بیشتر از روسیه را تشدید کرده است. در همین حال، روسیه صادرات گندم، جو و ذرت به خارج از اتحادیه اقتصادی اوراسیا را در بازه ۱۵ فوریه تا ۳۰ ژوئن ۲۰۲۶ در قالب سهمیه ۲۰ میلیون تنی مدیریت می کند و صادرات خارج از سهمیه نیز با عوارض سنگین همراه است. از این رو، لازم است دستگاه های مسئول به طور فوری برای رفع، تعلیق یا تخصیص ترجیحی این سهمیه به نفع ایران وارد مذاکره شوند.

به گزارش امید ساحل، اختلال در بنادر جنوبی در جریان جنگ اخیر یک بار دیگر نشان داد که اتکای بالای کشور به بنادر جنوبی و مسیرهای متعارف تسویه مالی، در شرایط بحران می تواند به یکی از نقاط آسیب پذیر تأمین کالای اساسی تبدیل شود. وقتی هم زمان حمل و نقل جنوبی

تسویه مانع اجرای آن نخواهد شد. نکته مهم آن است که ایران نباید منتظر بماند تا صادرکنندگان روس در رقابت با سایر مقاصد، بخشی از سهمیه خود را به ایران اختصاص دهند. در شرایط فعلی، لازم است دولت به طور مستقیم برای معافیت ایران از سهمیه صادراتی روسیه یا دست کم تخصیص سهمیه ترجیحی به صادرات غلات به مقصد ایران در برخی مسیرهای خاص همچون دریایی خزر یا راه آهن آنچه برون مذاکره کند. تنها در این صورت است که می توان انتظار داشت واردات از روسیه در شرایط بحران بنادر جنوبی هم به صرفه بماند و هم در عمل به تقویت مسیرهای جایگزین کشور منجر شود.

### ضرورت ورود دستگاه های مسئول به مذاکره برای رفع این سهمیه

در چنین شرایطی، لازم است این موضوع به یک مطالبه رسمی و فوری در مذاکرات اقتصادی ایران و روسیه تبدیل شود. وزارت جهاد کشاورزی باید نیاز وارداتی کشور و اقلام اولویت دار را به طور دقیق مشخص کند. سازمان توسعه تجارت ایران باید موضوع رفع یا تسهیل سهمیه صادراتی روسیه برای ایران را در دستور کار مذاکرات قرار دهد. وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز باید از منظر پشتیبانی تجاری و مالی، این موضوع را دنبال کند. همچنین بانک مرکزی باید اطمینان دهد که در صورت حصول توافق، سازوکار